بهار در همدان

بهمنی، اردشیر

بهار شهرکی است در 15 کیلومتری همدان با جمعیتی در حدود 15 هزار نفر با زمستانهائی سرد و تابستانهائی معتدل و فرحبخش.اطرافش مملو از درختزار،تاکستان‏ و صیفی کاریست.مردمی خونگرم و غیر تمند و مهربان دارد.

از سابقه‏ی تاریخی این شهر جز اشاره‏ای مختصر که حمد اله مستوفی مورخ نامی قرن‏ هشتم در کتاب‏"نزهة القلوب‏"نموده آگاهی چندانی نداریم بنا باشارهء مستوفی بهار در قرن هشتم بصورت قلعه بوده‏"بهار قلعه‏ای است و در زمان شاه سلیمان دار املک او بوده‏"1

با امعان نظر و دقت در این گفته‏ی مختصر مستوفی این نتیجه حاصل میشود که‏ سلیمان شاه از شاهان محلی مغول بهار فعلی را که مسلط بر حوزه‏ی حکمرانی وی(کردستان، همدان،لرستان)بوده بعنوان پایگاه و دار الملک برگزیده است وانی قلعه بعدا"بمرور زمان تبدیل به شهر فعلی بهار گشته که اینک اثری از آثار قلعه بودن در آن موجود نیست.آنچه مؤید نظر مستوفی در قلعه بودن این شهر بشمار می‏رود دلایل زیر است.

1-در بهار فعلی محله وسیعی هست که هنوز هم بنام قلعه خوانده میشود و آن در زبان محلی بدو قسمت تقسیم و نامگذاری شده است‏"قلعه‏"و"دولر قلعه‏"2با توجه‏ بمعنی‏"دولر قلعه‏"این حدس پیش میآید که ساکنین قسمتی از قلعه سربازان مغول و محافظین‏ و گارد شاه سلیمان بوده‏اند و مردم بهار با توجه بانزجار و نفرتی که از مغولان ستمگر و سفاک داشته‏اند و فجایع و وحشیگریهای آنان را سینه بسینه از پدران بیاد داشته‏اند این‏ نام را بآن کوی داده‏اند.نظر دیگر که درست بنظر نمی‏آید این است که این کوی محل‏ دیوان محاسباتی مغولان بوده اما دلیل بر رد این نظر آنست که‏"دولر"جمع‏"دو" یعنی دیو است در حالیکه جمع‏"دیوان‏"محاسباتی میشود"دیوانلر".

2-در بهار محله دیگری هست که در زبان محلی‏"آق دروازه‏"3خوانده میشود.

(1)-نزهة القلوب-در ذکر بقاع کردستان صفحه 127 تصحیح دبیر سیاقی 1336

(2)-"دولر قلعه‏"بمعنای خانهء دیوان

(3)-آق دروازه بمعنای دروازه سقید

دقت دروجه تسمیه این اسم این ظن را تقویت میکند که در قلعه بهار دروازه‏هائی متعدد وجود داشته است که یکی از آنها آق دروازه نامیده میشود که از آن عبور و مرور بسوی‏ کردستان انجام میگرفته است.

آنچه گفته‏ی مستوفی را در قلعه بودن بهار تأیید میکند دلایل فوق است زیرا لازمه‏ قلعه داشتن دروازه است.

اما از سابقه تاریخی این شهر پیش از قرن هشتم اطلاعی در دست نیست و معلوم‏ نگشته که این شهر چه زمانی بنا گردیده و نام قبلی آن‏چه بوده است و چرا بدان نام‏ بهار را داده‏اند؟آیا با توجه بهوای معتدل و فرحبخشی که این شهر در فصل بهار و تابستان دارد این نام را بر آن برگزیده‏اند و یا این نام از نام بتکده معروف‏"نوبهار" که پرستشگاه مغولان شمس پرست بوده گرفته شده و یا از نام ایل بهارلو در این محل‏ سکونت گزیده‏اند).1

از مشاهیر و نامبرداران بهار در دوره معاصر میشود از مرحوم حاج سیف الله بهمنی-سرهنک‏ عبد الله بهاری-مهندس فتح الله بهاری-دکتر مهندس عباد الله بهاری-عزت الله بهاری‏ -سرهنگ دکتر شهریار بهاری-یوسف فضائی مؤلف معاصر-غلامرضا بهمنی و بخصوص‏ حاج شیخ محمد بهاری و حاج شیخ محمد باقر بهاری نام برد.

(بهار)

در تذکره‏ها و بیوگرافی‏های موخر1نام دو نفر از مشاهیر بهار ذکر گردیده که‏ آنان را منسوب به همدان دانسته‏اند.

1-حاج شیخ محمد بهاری فرزند میرزا محمد بهاری نجفی.

وی که در بهار به حاج شیخ شیر محمد بهاری معروف است یکی از علماء و فضلاء و عرفانی‏ عصر خویش بود.نامبرده در نجف اشرف میزیست و در آنجا مجالس درسی و تعلیمی‏ داشته است.وی در نهم رمضان 1325 قمری در زادگاه خویش بهار دارفانی را بدرود گفت.مقبره نامبرده در گورستان عمومی بهار جای دارد و امید است انجمن آثار ملی یا نیکوکاران محلی به تجدید بنای آرامگاه این مرد بزرگ اقدامی بنمایند تا از وضع‏ نامناسب فعلی بدرآید.

از حاج شیخ شیر محمد کتابی بنام(تذکرة المتقین)در شرح و ترتیب زیارت و آداب‏ (1)-مأخذ مورد استفاده.اعیان الشیعه ج 46-تذکرة المتقین چاپ 1338-بزرگان‏ و سخنسرایان همدان ج.

توحید و سایر مطالب مذهبی باقیست که در سال 1338 شمسی تجدید طبع گردیده است.1

از حاج شیخ،اولاد ذکور باقی نمانده و بهمین جهت ناشر در مقدمه کتاب مینویسد "چون آن جناب اولاد ذکور نداشت این کتاب طبع شد تا جانشین فرزند او شود."

از شیخ منشآتی نیز باقیست که در خاتمه کتاب فوق الذکر آمده است و دارای عبارات‏ و ترکیبات عربی فراوانیست.

2-حاج شیخ محمد باقر بهاری فرزند محمد جعفر یکی از بزرگترین علماء و فقها از محدثان بزرگ ناحیه همدان بود.حاج شیخ محمد باقر تحصیلات خود را در نجف بپایان‏ رسانید و مجالس درس میرزا حبیب اله رشتی و میرزا حسین خلیلی و آخوند ملا محمد کاظم‏ خراسانی را درک کرد.در اخلاق و سلوک و حکمت از علامه‏ی شهیر مولی حسینقلی همدانی‏ کسب فیض نمود و از وی و دیگر علماء اجازه‏ی روایت کسب کرد در 1316 قمری به همدان‏ برگشت و بانجام وظائف شرعی پرداخت.

حاج شیخ محمد باقر،مردی بسیار سختگیر و در عین حال سنگدل بود و در اجرای امر به‏ معروف و نهی از منکر بکسی رحم نمیکرد.نقل است که وی در محلی که اکنون بنام قبرستان‏ میرزا تقی مشهور است،حکم بگردن زدن مرد فاجرو فابقی داد و چون این مرد باید گردنش‏ با یک ضربه زده میشد اطرافیان در مریدان از انجام این عمل وحشت‏انگیز سخت مضطرب و و متوحش شدند و چون کسی را جرأت چنین اقدامی نبود خود شیخ آستین‏ها را بالا زده و عبا را بر زمین نهاد بمانند یک غازی سر محکوم را بیک ضربه از تن جدا ساخت.حاج‏ شیخ محمد باقر یکی از مجاهدان راه آزادی و مشروطیت ایران بشمار میرود و اقدامات او در نهضت مشروطه ارزنده و مؤثر بود.از وی قریب 60 جلد کتاب و رساله در موضوعات‏ مختلف باقیست از جمله:

الدعوه الحسینیه-حاشیه بر شرح الفیه ابن مالک در نحو-شرح قطر الندی- الطلع النضیه-عقد الدررقی امام المنتظر-البیان فی الحقیقة الایمان-حاشیه بر فوائد شیخ انصاری-روح الجوامع-سلاح الحازم فی دفع المظالم-نثار الباب فی تقبیل التراب- النور-رساله در رد نصاری-رساله در رد منکرین صاحب الزمان-رساله در رد قصیده‏ بغدادیه-و کتابها و رسالات دیگر...شیخ محمد باقر بیشتر عمر خود را بتألیف و تصنیف‏ گذرانیده که نسخ این تصانیف و تألیفات به خط وی موجود است.مرگ وی را در 1332 قمری در همدان ذکر کرده‏اند.

(1)-دکتر درخشان-نقل اقوال شفاهی.

(2)-مأخذ مورد استفاده-اعلام الشیعه علمای قرن چهاردهم-اعیان الشیعه-بزرگان‏ و سخنسرایان همدان ج.